

تعداد سوالات : تستی : ۳۰ تشریحی : ۴۵ زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۲۳۰۰۱۴ - ، زبان و ادبیات عربی ۱۲۳۰۱۱۱

۱ - عین الصحيح عن معنی الكلمات التي تحتها خط في الأبيات التالية:

ولا طربت نفسي إلى مزهر ولا تحنّ قلبي نحو عود ولا زمر:

۱. الرقص_الفرح ۲. الشوق_الحب

۳. عود يُعزف عليه_آله تشبه المزممار ۴. الشراب_اللعب

۲ - يا خير منتصف يهدي له الرشد و يا إماماً به قد أشرق البلد:

۱. العادل_الإستقامه على طريق الحق ۲. الجبار_الهدايه

۳. الرحمن_من عرف طريقه ۴. القهار_الطريق الصحيح

۳ - هذا الذي تُرجى النجاه بحبه وبه يُحطّ الإصرُ والأوزار:

۱. الخلاص_الرجاء ۲. العبء الثقيل_المعاصي

۳. الجدوى_الفوائد ۴. العزه_الإعتبار

۴ - تناشدني عهد الموده والهوى وفي العهد ميغوم النداء صغير:

۱. تقسمني_من لا يفصح في القول ۲. تناديني_الأخرس

۳. تخبرني_خروج الصوت ۴. تدينني_صامت

۵ - وما ضره الا مزاح ورقه ثنته سفيه الذكر و هو رشيد :

۱. المداعبه_وصفته ۲. اللعِب_جعلته ۳. الجهل_أعطته ۴. عديم الحلم_رمته

۶ - و إذ هصرنا فنون الوصل دانيه قطافها فجئينا منه ما شينا :

۱. تذكرنا_بعنا ۲. جذبنا_جمعنا ۳. إقتربنا_رددنا ۴. عرفنا_أملنا

۷ - محبه صدق لم تكن بنت ساعه و لا وريت حين إرتياد زنادها:

۱. صدقتُ_النصر ۲. عرفتُ_الحقيقه ۳. دريتُ_التقدم ۴. خرجتُ_الطلب

۸ - فكم مسلمٍ راغب راهب لأرذل قردٍ من المشركين:

۱. مستعد_الحيوان ۲. الفطن_الإحتجاج ۳. الخائف_الخبيث ۴. المحب_الحقير

۹ - بكت أن رأّت إلفين ضمّهما وكرّ مساءً و قد أحنى على إلفها الدهر:

۱. العُش_جار على ۲. الصديق_رفق به ۳. المعين_قام بمدارته ۴. البيت_نظر إلى

تعداد سوالات : تستی : ۳ تشریحی : ۴
زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۱۴ - زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱

۱۰ - صقلیه کاد الزمان بلادها و کانت علی أهل الزمان محاربا:

۱. خدع_ مأمَن ۲. إقترَب_ مدافع ۳. شاء_ مناصر ۴. صار_ مواسی

۱۱ - عین الترجمة الصحيحة عن الكلمات التي تحتها خط فيما يلي:

و إنما هي صادرة عن خدمة النيران و سدنه بيوت الأصنام:

۱. حاجیان ۲. فرماندهان ۳. مردمان ۴. لشکریان

۱۲ - و أَرعن طمّاح الذّؤابه باذخ يطاول أعنان السماء بغارب:

۱. بلند_ بلندی هر چیزی ۲. متکبر_ درهم پیچیده
۳. نتیجه_ شگفتی عزیز ۴. سودجو_ مرکب

۱۳ - ضاحک عن جُمان سافر عن بدر :

۱. مرجان_ ادامه می دهد ۲. ماهی_ کوچ می کند
۳. مروارید_ سفر می کند ۴. صدف_ می خندد

۱۴ - سألتهم عن مقيل الركب قيل لنا مقيلهم حيث فاح الشيح و البان:

۱. سخن گفتن_ بیان کردن ۲. سخن بیهوده_ چیدن
۳. منزلگه_ نوعی درخت ۴. ساکنین_ دور شدن

۱۵ - فملاً هنيئاً لك التمكين ساحتها جرداً سلاهب أو خطيه دُعسا:

۱. قدرت_ بلند ۲. اضافه کردن_ کوتاهی ۳. شمشیر_ شدت ضربه ۴. نیزه_ راه و نشان

۱۶ - عین الصحيح عن شرح الأبيات التالية:

يُمزق الدهر حتماً كل سابغه إذا نبت مشرفيات و خرصان:

۱. أما أن الدهر يخرج السيف من الغمد ليهلك الجميع و لو كان ذلك سيف بن ذي يزن و لو كان قصر الغمدان مأمناً له.
۲. إنّ الدهر القطع من السيوف بحيث إن السيوف و الرماح قد تنبو و تكلّ فلانا للدهر الذي يمزق الدروع دائماً
۳. ان الدهر لا يخرج السيف من الغمد الا عندما يرى الأمور اشتدت و صعبت على الناس
۴. تعود الناس على الدهر أن يخبرهم و لكن خطأ أكثرهم و انتظروا أن يخرج السيف من غمده و ما فعل.

تعداد سوالات : تستی : ۳۰ تشریحی : ۴۵ زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۱۴ - زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱۱

۱۷ - حذارک من سقم العیون فانه سיעدی بما یعیی الطیب المداویا:

۱. خذ الحذر من العیون المتعبه فانها لاترى الأشياء كما هی
۲. انتبه من العیون المریضه و فتورها فانها ترى الناس مر ضاء كما هی مریضه
۳. إحذر من سقم العیون و فتورها فانه یصیب الرائی بداء یعجز الطیب عن علاجه
۴. احذر العیون التی تبدی الآلام للآخرین لانها تصیب الناس فیعجز الآخرون عن طبابتها

۱۸ - عین الصبیح عن ترجمه الأبیات التالیه:

لیس لنا ملجأ نؤمله سواک أنت الثّمال و الوزرُ:

۱. جز تو پناهی ندارم و فقط تو گناهان ما را می بخشی
۲. فقط به تو پناه می بریم تا گناهان ما را ببخشی
۳. تنها پناهی که بدان امید بسته ایم تویی و تو پناهگاه و فریاد رس مایی
۴. به کسی جز تو امید نبسته ایم چرا که تنها تو بخشاینده گناهانی

۱۹ - بدرُ المال کالدور و لکن نالها من ندی یدیه السرار :

۱. بدر مال چون بدر آسمان است لکن به واسطه سخاوت ممدوح از زر خالی می شود
۲. کیسه های زر همچون ماه کامل هستند و از بخشش دستان او مخفی می شوند
۳. کیسه های زر همچون ماه کامل هستند ولی به واسطه بخشش او به محاق مبتلا می شوند
۴. کیسه های زر همچون بدر کامل پر هستند لکن به واسطه اسراف او به لاغری و خالی شدن مبتلا می شوند

۲۰ - مدائن حلّها الأشراک مبتسماً جذلان و ارتحل الإیمان مبتئساً :

۱. اینها شهرهایی نیستند که شرک خندان و شادمان وارد آنها شد و ایمان غمگین از آنها کوچ کرد
۲. این شهرها محل اقامت شرک شد در حالی که شادمان هستند و ایمان از آنها رخت برپست
۳. شرک شادمان وارد این شهرها شد و ایمان غمگین از آنها کوچ کرد
۴. مشرکین شادمان وارد این شهرها شدند و مؤمنین غمگین از آنجا رفتند

۲۱ - بلغیهم سلاماً من أخی شجن فی قلبه من فراق القوم أشجان:

۱. سلام شخصی اندوهگین که دلش از فراق یاران غمگین است به ایشان برسان
۲. از برادر غم و اندوه سلامی به آنها برسان در حالی که قلبش از جدایی قوم خود اندوهگین است
۳. از برادری مخلص که قلبش از فراق قوم خود رنجور است سلام برسان
۴. سلام برادری مخلص را برسان و بگو که دلش از فراق یاران غمگین است

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۰۱۴ - زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱۱

۲۲ - أصخت إليه و هو آخرس صامت فحدثني ليل السرى بالعجائب:

۱. به او که گنگ و ساکت است گوش فرادادم و او از شگفتی ها برای من سخن گفت
۲. به او گوش فرا دادم در حالی که او گنگ و ساکت بود و در تمام طول آن سفر شبانه برایم از شگفتی ها سخن گفت
۳. صدایی را که گنگ و ساکت بود فریاد بر آوردم و او نیز از شگفتی ها برایم سخن گفت
۴. صدایی را که گنگ و ساکت بود شنیدم و درباره شگفتی ها در شب تاریک با من سخن گفت

۲۳ - و ما خلت أن النار يبرد حرها على سعة لاقته في القيظ يابسا:

۱. هرگز گمان نمی کردم حرارت آن آتش خاموش شود وقتی که بر شاخه ای خشک در آن گرما روشن شده بود
۲. خیال نمی کردم شعله آن آتش که که بر شاخه خشک بر افروخته شده خاموش شود
۳. گمان نمی کردم که شعله آتش که در شدت گرما بر شاخه ای خشک در گرفته بود سرد شود
۴. هرگز خیال نمی کردم حرارت آن آتش که بر شاخه نخل در گرفته خاموش شود

۲۴ - و ما اهتزَّ باب السجن إلا تفتطرت قلوب لنا خوف الردى و كبود:

۱. در زندان به حرکت در نیامد مگر اینکه دل و کبد ما از ترس پاره پاره شد
۲. به محض اینکه در زندان به حرکت در می آمد قلب و کبد ما از ترس هلاکت شکافته می شد
۳. در زندان نلرزید مگر آن که قلب و کبد ما از ترس مرگ ایستاد
۴. هر گاه در زندان باز می شد قلب ما از ترس مرگ از حرکت باز می ایستاد

۲۵ - و دارت نجوم القطب حتى كأنها كوؤس مها و الی بهن مدير:

۱. چرخش ستاره ها در مرکز آسمان همانند پیمانه هایی است که زنان زیبا آن را در مجلس شراب خواری آنها را به چرخش در می آورند
۲. ستاره های آسمان که در مرکز آن قرار دارند همانند زنان زیبایی هستند که در وسط مجلس شراب خواری حاضر هستند
۳. زنان زیبا هنگامی که شراب را در مجلس شراب خواری می چرخانند ستاره های آسمان آنها را می دیدند
۴. زنان زیبا حرکت خود را در مجلس شراب خواری از حرکت ستاره در آسمان می آموزند

۲۶ - و ابتزَّ مني ضياعي بعد منعتها ظلماً و فُرِّق مني الأهل و الولد:

۱. او همه اموالم را به زور از من گرفت و خانواده ام و فرزندانم را فراری داد
۲. اموالم را گرفت اما نه به زور بلکه با موافقت من و خانواده ام را بخاطر اموالم از آنها گذشت
۳. اموالم را به دادم تا از خانواده و فرزندانم در گذرد و من و خانواده ام از شر او در امان باشیم
۴. اموالم را مصادره کرد و تنها کاری که از دستم بر می آمد این بود که خانواده ام و فرزندانم را از دست ایشان فراری دهم



تعداد سوالات : تستی : ۳۰ تشریحی : ۴۵ زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۱۴ - ، زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱

۲۷ - فوالله ما برت یمنی و لا وقت له غیر اُنی ضامن بوفائی:

۱. به خدا قسم که من متعهد می شوم که به عهده‌ی که می بندم وفادار بمانم
۲. به خدا قسم که آنهایی که به عهد خود عمل نمی کنند انسانهای وفاداری نیستند
۳. به خدا قسم آنهایی که متعهد می شوند که به عهد خود عمل کنند انسان های رستگاری هستند
۴. به خدا قسم من متعهد می شوم که اگر آنها به عهد خود پایبند باشند من نیز همانند آنها پایبند خواهم شد

۲۸ - عینَ الصّحیح عن تشکيل الکلمه التي تحتها خط فی البيت التالی:

فی دون ما قلت زال الصبر و الجلد عینی و قُرّح منی القلب و الكبّد:

۱. الصبر _ الكبّد
۲. الصبر _ والکبد
۳. الصبر _ الكبّد
۴. الصبر _ الكبّد

۲۹ - بیّن الغرض الشعری المراد من البيت التالی:

ما شئت لا ما شاءت الأقدار فاجکم فانت الواحد القهار:

۱. المدح
۲. الفخر
۳. الهجاء
۴. الوصف

۳۰ - من فی « فمن مبلّغ الفتیان اُنی بعدهم مقيم بدار الظالمین وحید:

۱. اظهار العجز
۲. اظهار الفخر
۳. اظهار الوصف و العزه
۴. اظهار الإستعطاف و التحسر